

عهد کتاب (۱)

نسیم حسنی

مدیر پژوهش و انتشارات آژانس نسخ خطی مفا

| ۱۸۵-۱۹۶ |

Book Offer (1)

Nasim Hassani

Abstract: Book Covenant is a new section in the Ayeneh Pazhuhesh journal where we introduce newly published books in the fields of Islamic studies, religious studies, history, culture, and art in Muslim societies. Our priority is to introduce books that have not been translated into Persian and have been published by reputable academic publishers.

In this issue, we introduce three books:

- 1- "The Modern Arabic Bible"
- 2- "Judaism and Islam: Boundaries and Interactions"
- 3- "Imagination of the Ancient World in Islamic Societies"

چکیده: عهد کتاب بخش جدیدی در مجله آینه پژوهش است که در آن به معرفی کتاب‌های تازه در حوزه مطالعات اسلامی، مطالعات ادیان، تاریخ، فرهنگ و هنر جوامع مسلمان می‌پردازیم. اولویت در معرفی کتاب‌هایی است که به فارسی ترجمه نشده‌اند و از سوی ناشران معتبر دانشگاهی منتشر شده‌اند.

سه کتابی که در این شماره معرفی می‌شوند عبارتند از:

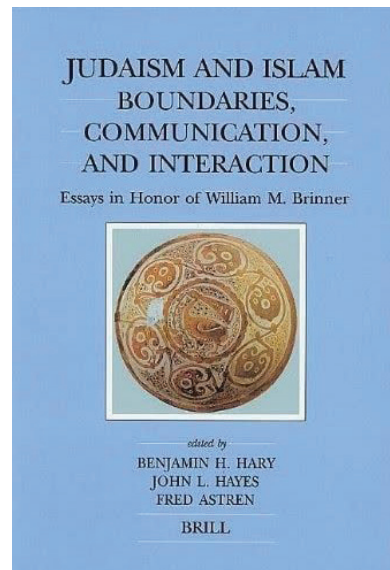
بایبل به زبان عربی مدرن

یهودیت و اسلام: مرزها و ارتباط و تعامل

تخیل جهان باستان در جوامع اسلامی

«عهد کتاب» بخش جدیدی در مجله «آینه پژوهش» است که در آن به معرفی کتاب‌های تازه در حوزه مطالعات اسلامی، مطالعات ادیان، تاریخ، فرهنگ و هنر جوامع مسلمان می‌پردازیم. در این بخش سعی بر آن است کتاب‌هایی معرفی شوند که در بردارنده ایده‌ها و اندیشه‌های بدیع و نوآورانه در این زمینه‌ها هستند. اولویت در معرفی کتاب‌هایی است که به فارسی ترجمه نشده‌اند و از سوی ناشران معتبر دانشگاهی منتشر شده‌اند.

امید داریم مطالب این بخش بتوانند راهگشای مترجمان و پژوهشگران حوزه مطالعات اسلامی باشد.



Judaism and Islam: Boundaries, Communication and Interaction, Essays in Honor of William M. Brinner, Editors: Benjamin Hary, John Hayes, and Fred Astren, Brill 2021.

«یهودیت و اسلام، مرزها، ارتباط و تعامل»، مجموعه مقالات پژوهشگران حوزه مطالعات یهودیت، خاورمیانه و مطالعات اسلامی است که به مناسب گرامی داشت پروفیسور ویلیام ام. برینر جمع‌آوری شده است و پیش از آن در کنفرانسی به نام پروفیسور برنیر در دانشگاه برکلی ارائه شده بودند.

پروفیسور ویلیام برینر (۱۹۲۴-۲۰۱۱) استاد مطالعات خاورمیانه، عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه‌های برکلی، هاروارد، واشنگتن و عبری اورشلیم بوده است. موضوع پژوهش‌ها و تدریس او مطالعات بین فرهنگی، روابط یهودیان و مسلمانان در قرون میانه و عربی مدرن تا عربی کلاسیک بود. بعدتر در نقش تحلیل‌گر مسائل سیاسی روز در باب مناقشه فلسطین و اسرائیل در رسانه‌ها ظاهر شد.

کتاب در نه بخش با سرفصل‌های متنوعی شکل یافته است. بخش اول کتاب به آثار وی و تحلیل آنها اختصاص دارد و نقش او در جوامع دانشگاهی و جامعهٔ یهودیان.

بخش دوم بر شیوهٔ شکل‌گیری روابط میان مسلمانان و یهودیان، نبود آگاهی تاریخی در برابر جوامع، بی‌علاقگی برای یافتن راه‌حلی جهت بهبود روابط طرفین از قرون میانه تا به امروز متمرکز است.

یکی از مقالات بخش سوم با عنوان «روابط یهودیان و مسلمانان در بیزانس در ایتالیا» نوشتهٔ استفان د. بنبن، به جنگ نامهٔ اخیماز بن پالتیل شاعر، مورخ و کاتب ایتالیایی می‌پردازد که به لحاظ تاریخی اطلاعات مهمی در خصوص زندگی نویسنده و یهودیان اولیه در جنوب ایتالیا می‌دهد که از سرزمین خود به اروپا تبعید شده یا مهاجرت کرده‌اند. استفان بنبن نویسندهٔ این بخش از کتاب، به خوبی نشان می‌دهد منابعی از این قبیل چه کمک بزرگی به ترسیم روابط پیروان ادیان ابراهیمی می‌کنند.

در همین بخش مارک کوهن در مقاله‌ای با عنوان «اجتماعی‌شدن و مفهوم گالوت در روابط یهودیان و مسلمانان در قرون میانه» به پدیدهٔ تبعید و دوری از وطن پرداخته است. کوهن چنین نتیجه می‌گیرد که میزان جامعه‌پذیری و حضور یهودیان در جوامع مسلمان در مقایسه با جوامع مسیحی بعد از صلیبیون بسیار متفاوت است و یهودیان در زمان مسلمانان بسیار پیشروتر از زمانهٔ بعد بوده‌اند.

دنیل لسکر در مقاله‌ای با عنوان «روابط مسلمانان و یهودیان در دوره مدرن» با بررسی آثار کلامی یهودیان در قرن نوزدهم، تأثیر نحوهٔ مجادلات کلامی مسلمانان با مسیحیان را در این آثار نشان می‌دهد.

موضوع اجتماعی بعدی که در مقاله‌ای نوشتهٔ دیوید مرمر با عنوان «خانهٔ پدری و اسناد دربار یهودی» بدان پرداخته شده، زندگی زنان با خانوادهٔ مردان یهود در قاهره و شیوهٔ تعامل همسران آنها با یکدیگر در خانه است. وی با بررسی اسنادی از جنبهٔ قاهره نشان می‌دهد شکایات مطروحه در دادگاه چطور تحت تاثیر فضای اجتماعی مسلمانان بوده و این عوامل چگونه برای دادگاه و بررسی آنها تأثیر می‌گذاشته است؟

جادو و متون مربوط به آن در میان یهودیان و مسلمانان مقالهٔ درخور توجه دیگری در این مجموعه است که شاتول شکد در مقاله‌ای با عنوان «جادو در یهودیت قرون میانه و ارتباط آن با اسلام» به آن توجه کرده است.

از میانهٔ کتاب با عبور از قرون میانه، سرفصل‌های مرتبط با مجادلات عصر حاضر را شاهد هستیم.

مایکل لسکیر با بررسی موردی مقالات و مجلات منتشر شده بین دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ در French Press و Moroccan Arabic ریشه‌های یهودستیزی و دلایل تیرگی روابط اعراب و یهودیان را بررسی می‌کند. این مقاله به شکل مستقیم به موضوع یهودیان شرقی و سفارادی و ارتباط آنها با صهیونیسم در روزنامه‌ها و یادداشت‌های سیاسی عربی بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۷۰ می‌پردازد و به خوبی نقش صهیونیسم را در به حاشیه رانده شدن یهودیت شرقی در آفریقا و خاورمیانه نشان می‌دهد.

در مقاله «یهودیان عرب میان استعمار، صهیونیسم و ملی‌گرایی عربی» نورمن استیلمن سه نیروی محرکه ناسیونالیسم عربی، صهیونیسم و استعمار را عوامل اصلی دخالت در نظم اجتماعی یهودیان و مسلمانان می‌داند که با فروپاشی عثمانی در این منطقه مسلمانان، یهودیان و مسیحیان مراکش را دچار بحران هویتی می‌کنند.

مقاله بعدی مقایسه‌ای است که او با اثر با نام «تصویرسازی‌های متقدم قرآن و بائبل؛ از پرداختن به عهد عتیق قرن دهمی در لنینگراد و قرآن‌های معاصر» به دست آورده است.

مارک برنشتاین در مقاله‌اش با عنوان «یوسف: روحانی یا صدیق» داستان حضرت یوسف را برای نمونه داستان مشترک میان سنت عبرانی و عربی انتخاب کرده است. او با مطالعات زبان‌شناسانه و پرداختن به جنبه‌های مشترک این داستان در قرآن و عهد عتیق سعی در بازنمایی وجوه مشترک این دو متن مقدس دارد.

او مورین با بررسی گزارشی به فارسی‌هود که شرح ساختن کعبه در آن آمده است، آن را نمونه‌ای از اسماعیلیات می‌داند که در متون میدراشی راه پیدا کرده‌اند.

در مقاله بعدی استفان ریک به جای تمرکز بر مطالعات تطبیقی، در مقاله‌ای با عنوان «ردای آدم در اسلام، یهودیت و سنت مسیحی»، بر روی یک موتیف خاص یعنی ردای حضرت آدم تمرکز کرده است و این انگاره را بین متون اسلامی، مسیحی و عبرانی بررسی کرده است. او به خوبی نشان می‌دهد با استفاده از سنت‌های ادبی و نزدیک شدن به مرزهای مشترک زبانی می‌توان نشان داد چگونه این موتیف به عنوان ردایی بهشتی در این سه سنت خود را برجسته کرده و در جایگاه نمادی از کرامت انسان هبوط کرده و در پی بازگرداندن او به عالم بالاست.

سامخ ترجمه عربی سعدی‌گائون را که همچنان معتبرترین ترجمه بائبل تا عصر حاضر است، آیه به آیه با ترجمه انگلیسی شاه جیمز مقایسه کرده است. او در مقاله‌ای با عنوان «نقش تفسیر سعدی‌گائون در ترجمه عربی مدرن بائبل» به تأثیرات تفاسیر دیگران بر ترجمه جدید بائبل به عربی پرداخته است.

استیون واسرستروم بخشی از کتاب قصص الانبیاء ثعالبی را در مقاله‌ای با همین نام بررسی کرده است که نشان می‌دهد ثعالبی به کتابی مشکوک به نام «آخر الزمان ابراهیم» متعلق به دوره معبد دوم، دسترسی یا آگاهی داشته است و چون به موضوعات آخر الزمانی علاقمند بوده است، سعی کرده با درآمیختن این داستان‌ها متنی اسلامی خلق کند.

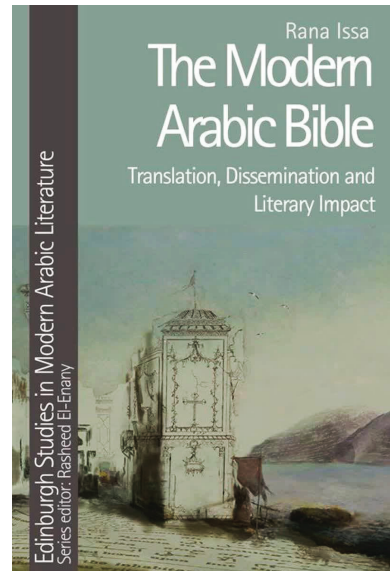
موضوع مقالات بخش بعدی کتاب نقاط اشتراک و اختلاف در قوانین شرعی اسلام و یهود است. واردیت حییم در مقاله‌ای با عنوان «قوانین اسلامی و یهودی در باب ناشزه» نشان می‌دهد که وضعیت فقهی زنان در یهودیت در قیاس با اسلام به مراتب سختگیرانه‌تر بوده و در کل به نظر می‌رسد اسلام در قبال زنان لیبرال‌تر و آسان‌گیرتر از یهودیت عمل کرده است.

در بخش دوم، سوزان اسپکتورسکی آرای احمد بن حنبل درباره ازدواج با پیروان ادیان دیگر را در نوشته‌ای با عنوان «چالش‌های ازدواج بین‌الادیانی در آرای فقهی متقدم» بررسی کرده است و معتقد است این احکام در دوره‌های اولیه موضوع فقهی چندان مهمی برای فقیهان مسلمان نبوده است.

بخش هفتم به فلسفه و اخلاق، به ویژه ابن‌میمون و آرای او درباره وجود خداوند و صفات او اختصاص داده شده است.

در بخش هشتم به فرهنگ اسلامی به مثابه یک مفهوم پرداخته شده و بعد به نگاه یهودیان قرایم به تاریخ و نحوه برخورد آنان با گذشته و بازتعریف خود در جامعه مسلمان.

در بخش نهم متون تولیدشده در میان یهودیان ساکن جوامع اسلامی تحلیل شده است و با بررسی بینامتنی برای یافتن ریشه‌های پیشینی این متون در ادبیات یهودیان یثرب تلاش شده است.



The Modern Arabic Bible, Translation, Dissemination and Literary Impact, Rana Issa, Edinburgh Studies in Modern Arabic Literature, Published January 2023

رعنا عیسا فعال اجتماعی، مترجم و استاد دانشگاه آمریکایی بیروت برنده جایزه ملی هنر برای ترجمه نامه‌ها و سفرنامه احمد فارس الشدیاق روزنامه‌نگار و نویسنده مسیحی لبنانی است. کتاب جدید او با عنوان بایبل عربی مدرن: ترجمه، انتشار و تأثیر ادبی، توسط انتشارات دانشگاه ادینبرا به چاپ رسیده است.

در این کتاب عیسا تلاش کرده است ابتدا به این پرسش پاسخ دهد که ترجمه و چاپ بایبل به زبان عربی در تیراژ بالا چطور کتاب مقدس را از شکل کتابی که تا پیش از آن بیشتر در دست مقامات کلیسا بود، به یک کالای تجاری تبدیل کرد؟ در ادامه او پرسش‌های متعدد دیگری مطرح می‌کند که در نتیجه خواننده می‌تواند با پیگیری سرنخ‌ها به یکی از چند علت اصلی این پدیده برسد که جریان «النهضة» یا همان رنسانس عربی در روند ترجمه عربی مدرن بایبل چه تأثیراتی داشته است؟ این جریان که به روشنگری عربی نیز معروف است، طی قرن نوزدهم از مصر و شام با همان سوریه فعلی آغاز شد و به تدریج در دیگر کشورهای عربی مانند عراق و مراکش نیز گسترش پیدا کرد. این جریان که با اصلاحات محمد علی پاشا و تلاش روشنفکران عرب آغاز شد، جریانی بود برای احیای زبان عربی و پررنگ کردن نقش آن در جامعه. عیسا در این کتاب تلاش می‌کند با بررسی ملاحظات تاریخی و ادبی نشان دهد چگونه جنبش النهضة با ایده جامع عربی با ایده‌ای اروپایی از یک سو به گسست از سنت دامن زد و از سوی دیگر ریشه در زبان عربی‌ای داشت که برای ترجمه بایبل استفاده شد.

عیسا در این بررسی‌ها دو متفکر مهم در این عصر یعنی بطرس البستانی و احمد فارس الشدیاق را

انتخاب کرده و کوشیده است روند ترجمهٔ بایبل به عربی را در سیر حرکت این دو متفکر و نقش‌شان در نسانس عربی بررسی کند.

او معتقد است ظهور زبان عربی مدرن و ترجمهٔ بایبل در پیدایش دولت-ملت‌های جدید در شام (سوریه فعلی) نقشی اساسی داشته‌اند. عیسا ادامه می‌دهد اساساً آیا ترجمه بایبل نقش تسهی‌کننده و کاتالیزور را در جنبش النهضة داشته است و تفاوت نسخه مدرن با ۲۶ ترجمه پیش از خود در چیست؟

عیسا در این پروژه همهٔ ترجمه‌های قدیمی بایبل را بررسی می‌کند تا بتواند نتیجهٔ روشن و دقیقی از گسست با ترجمهٔ مدرن را بازنمایی کند. یکی از نتایج او در این روند نشان می‌دهد ترجمه جدید، بایبل را تبدیل به یک کالای قابل مبادله می‌کند و این کاملاً برخلاف روش‌های قبلی‌ای بود که خوانندگان کتاب مقدس با آن آشنا بودند.

پیش از آن بایبل از طرف کلیسای کاتولیک و سایر کلیساهای قدرتمند حامی به کلیساهای محلی و کوچک‌تر به عنوان هدیه‌ای ارزشمند به کلیسا تقدیم می‌شد و بنا نبود به مثابهٔ کالایی عادی در دسترس قرار بگیرد؛ ولی بعد از آن با رشد این سیاست اقتصادی جدید، بایبل مانند سایر اقلام باید در معرض رقابت در بازار و سایر ترجمه‌ها قرار می‌گرفت. همه این تغییرات در قرن نوزدهم رخ داد و به لطف پیشرفت در فناوری چاپ، کتاب مقدس برای خرید بیشتر مردم مقرون به صرفه شد و برای حدود یک دهه، پرفروش‌ترین کتاب در بازار عرب بود و خوانندگان بدون توجه به تعلق مذهبی آن را خریداری می‌کردند. با کالایی شدن بایبل، روش جدید درک کتاب مقدس بر ذهنیت مذهبی، سیاسی، ادبی و زبانی جامعه خوانندگان آن تأثیر گذاشت.

ایده پروتستانی کتاب مقدس در جایگاه یک متن پیوسته شاید واضح‌ترین تفاوت آن با نظر کلیسای کاتولیک درباره ترجمه و تفسیر بایبل بود و همین تفاوت نظر چاپ و سهولت در انتشار بایبل را سرعت بخشید. افراد غیر روحانی اگر کتاب مقدس داشتند، بیش از هر چیز سروکارشان با مزامیر یا انجیل متی بود؛ زیرا دانش‌آموزانی که با کشیش‌های روستا به دبیرستان می‌رفتند، باید بخش‌هایی از این متون را بازنویسی می‌کردند. تعداد کمی از بخش‌های دیگر کتاب مقدس با همین قاعدهٔ بازنویسی منتشر می‌شد. تغییر آشکار دیگر، تولید کتاب مقدس مدرن به زبان عربی استاندارد بود؛ در واقع یکی از دلایلی که عربی استاندارد یا فصیح به عنوان یک سبک زبانی در دورهٔ معاصر غالب شد، این بود که در چاپ مجدد انجیل‌های عربی، ترجیح داده می‌شد از واژگان عربی ساده و نزدیک به گفتار استفاده کنند.

در این بین، نگرانی از اشتباه در نسخه برداری یا افتادگی هم مدنظر بوده است. عیسا معتقد است قرن هفدهم، در اوج رقابت میان دو فرقهٔ پروتستان و کاتولیک، چند انجیل چاپی عربی

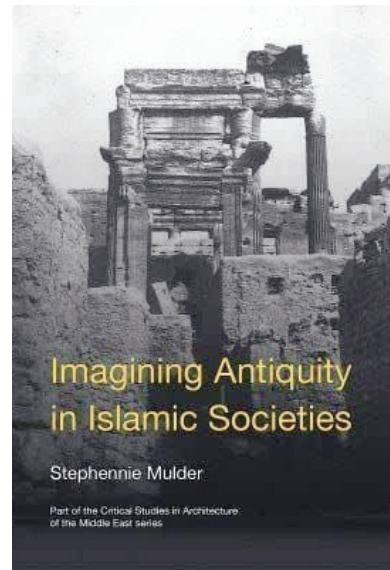
تولید شد؛ اما به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی هرگز به دست عموم خوانندگان نرسید. در آن زمان به دلیل شرایط مادی که چاپ بابیل را مشکل می‌کرد، عرب‌های مسیحی شروع به نوشتن اصطلاحاتی کردند که به گویش‌های گفتاری آنها نزدیک‌تر بود؛ در هر دو سطح نحوی و معنا. در واقع آن بابیل‌ها به کار زبان‌شناسان علاقمند به مطالعات تاریخی می‌آید و بخشی از مجموعه بزرگ‌تری از متون است که تکامل گویش‌های محلی اعراب و پدیده زبانی معروف به عربی میانه را نشان می‌دهد. عربی میانه نوعی عربی نویسی است که در آن عربی گفتاری با عربی نوشتاری ترکیب شده است. این‌گونه نوشته‌های عربی همچنین در مجموعه‌های زبانی‌ای استفاده می‌شوند که تلاش می‌کنند تنوع زبانی را در زبان هنجار کلاسیک با توجه به تفاوت‌های مذهبی توضیح دهند. بحث اصلی این است که اقلیت‌های مذهبی به اندازه مسلمان به نوشتن عربی تسلط نداشتند. عیسا خلاف این نظریه را مطرح می‌کند و این پدیده را نه برحسب تسلط بر عربی نویسی، بلکه بر اساس موقعیت سیاسی در مقابل نخبگان مسلمان حاکم تفسیر می‌کند و معتقد است آنچه در متون قدیمی‌تری می‌بینیم، نبود هرگونه علاقه جدی به یافتن ریشه‌هاست؛ برای مثال آن بابیل‌ها را می‌توان از منابع مختلف باستانی ترجمه کرد که شامل زبان‌های اصلی کتاب مقدس، عبری و یونانی (ولاتین برای کاتولیک‌ها) بود؛ اما منابع پیشینی به زبان‌های سریانی و قبطی و همچنین زبان‌های دیگری مانند ارمنی بودند. این ایده که یک کتاب مقدس اصیل وجود دارد که اصلتی کهن دارد، چندان اهمیتی نداشت؛ زیرا رویکرد تاریخی به کتاب مقدس هنوز برای کلیساهای شرقی حاکم جالب نبود.

مسئله بعدی که عیسا بدان می‌پردازد، تفاوت ترجمه‌های الشدایاق و البستانی از نظر زبان یا تأثیر در حوزه ادبی یا از نظر تیراژ با ترجمه‌های دیگران است. عیسا در بخش‌هایی عنوان می‌کند بیش از ۲۶ نسخه عربی از کتاب مقدس وجود داشت که در قرن نوزدهم به صورت چاپی در دسترس قرار گرفت. ترجمه‌ها از ابتدا متفاوت بود. برخلاف سایر ترجمه‌ها، البستانی و الشدایاق برای کمک به ترجمه‌های شاخصی که توسط مؤسسات تبلیغی بزرگ سفارش داده می‌شد، به کار گرفته شدند. الشدایاق با انجمن بریتانیایی کتاب مقدس برای تبلیغ دانش مسیحی همکاری می‌کرد و مدتی در کمبریج و آکسفورد مستقر شد. ترجمه او تا حدودی به دلیل انتشار کتاب جنجال‌برانگیزش با عنوان الساق علی الساق شکست خورد؛ در حالی که البستانی در لبنان ماند و با مأموریت مؤسسه‌ای آمریکایی بر روی ترجمه‌ای ماندگار و پرفروش کار کرد که تبدیل به ترجمه رسمی کلیسای قبطی در مصر و کلیسای ارتدوکس یونانی در شام، دو کلیسای بزرگ عرب‌زبان شد. این ترجمه همچنان استفاده می‌شود و برای کلیساهایی که آن را معتبر می‌دانند، به جایگاهی کاملاً مقدس دست یافته است. یکی دیگر از نسخه‌های اصلی که عیسا آن را مورد مطالعه قرار داده است، کتاب مقدس یسوعی از ابراهیم الیازجی زبان‌شناس مارونی در لبنان بود که به عنوان

ویرایشگر نسخه‌های دستنویس از این نسخه یسوعی استفاده می‌کرد. برخلاف الیازچی که نقش وی به ویرایش زبان عربی محدود می‌شد، البستانی و الشدایق به عنوان مترجم استخدام شدند و از نزدیک با کارفرمایان خود کار کردند. جالب است بدانیم هیچ‌یک از آنها تا پایان پروژه‌ها به قرارداد‌های خود پایبند نبودند و پس از مرگ کارفرمایان، قراردادشان را با مبلغان برای شروع حرفه ادبی خود نقض کردند. سهم آنها در ادبیات عرب مدرن بنیادی است و کتاب مقدس نقش کوچکی در تعهد مادام‌العمر آنها به زندگی ادبی‌شان ایفا کرد.

در رویکردهای خود به ادبیات، البستانی و الشدایق کاملاً مخالف یکدیگر هستند. البستانی مظهر ارزش‌های النهضه است، الشدایق شدیداً از این ارزش‌ها انتقاد می‌کرد. البستانی مدعی بود ترجمه روندهایی اعراب از جهل و روند رسیدن به اروپا را تسریع می‌بخشد؛ اما الشدایق ترجمه را برای تولید ایده‌های جدید در بهترین حالت امری حاشیه‌ای می‌دانست و از تجدد و نقش آن در جامعه بیم داشت و از معاصران خود که بر بازخوانی سنت تأکید می‌کردند، بابت تلاش برای ایجاد گسست با گذشته انتقاد می‌کرد.

در پایان عیسا نقش ترجمه بایبل و نقش مترجمانی چون الشدایق و البستانی را بسیار اساسی می‌داند؛ او بر این باور است که به لحاظ ادبی و زبانی کتاب مقدس در جایگاه یکی از منابع وام‌گیری‌های بینامتنی و تاریخی زبانی عربی است و آنچه امروزه در دانشگاه‌ها در عرصه مطالعه زبان‌های باستانی و مطالعه ریشه و معناشناسی کتب مقدس، مانند قرآن و بایبل مطرح است، دستاورد علمی تلاش‌هایی است که در قرن نوزدهم بر روی کتاب مقدس انجام شد.



Imagining Antiquity in Islamic Societies, Stephennie Mulder, Chicago Universit Pree, 2022

کتاب تخیل باستان در جوامع اسلامی مجموعه‌ای است از سیزده مقاله که پیش‌تر در «مجله بین‌المللی معماری اسلامی» منتشر و در اینجا به کوشش استفنی مولدر، استاد هنر و معماری اسلامی دانشگاه تگزاس، در مجلدی گردآوری شده‌اند. مولدر در مقدمه درخشان خود با عنوان «تخیل مکان‌های باستانی در جوامع اسلامی» باب بحثی را می‌گشاید که شیرازه کتاب بر آن استوار شده است: شیوه‌های گوناگونی که مسلمانان در طول تاریخ برای مواجهه با امر باستانی برگزیده‌اند. او از مثال پالمیرا می‌آغازد و می‌گوید که ترمیم معبد بل به دست باستان‌شناسان فرانسوی در اوایل سده بیستم و نابودی آن به دست داعش در سال ۲۰۱۵ کنش‌هایی ایدئولوژیک هستند و هدف‌شان احیای گذشته‌ای تخیلی و آرمانی است. داعش همان چیزی را محو و نابود می‌کند که فرانسوی‌ها از نو آفریده بودند؛ اما نباید نادیده گرفت که فرانسوی‌ها نیز با عملیات مرمت و بازسازی، تاریخ ۱۸۰۰ ساله میراث مسیحیان و مسلمانان پالمیرا را محو و نابود کرده بودند. کنش هر دو نتیجه نوعی منطق است که از میراث آرمانی جهان‌شهری سرچشمه گرفته است. اما برای مولدر مسئله این است که چه چیزی یکی را نابود کرده و نشانه بربریت و دیگری را متمدنانه و نشانه عقل و منطق می‌گرداند.

مناظر غم‌انگیز تخریب میراث فرهنگی در سوریه و عراق اغلب وحشیانه، گیج‌کننده و غیرمتمدنانه توصیف می‌شود. این رخدادها با تحلیل‌هایی سطحی همچون تلاش داعش برای نابودی بت‌پرستی یا نوعی بنیادگرایی برای احیای یکتاپرستی، «اسلام راستین» و بازگشت به گذشته‌ای آرمانی تصویر می‌شوند. چنین تحلیل‌هایی دست‌کم دو سویه دارند: نخست و از یک سو اینکه در واقع شیوه‌ای به راستی «اسلامی» برای تخیل گذشته ممکن است (مثلاً در معماری و

اثرات آن در مکان)؛ دوم کنش‌هایی که در این مکان‌ها انجام می‌شوند، خواه سازنده و خواه مخرب، برای مسلمان و غیرمسلمان دارای پیامدهای اخلاقی و هنجاری است. در این خوانش، کنش‌های «بت‌شکنا» داعش و گروه‌های مشابه آن، همچون طالبان و وهابی‌های عربستان سعودی، نوعی تظاهر منحرفانه قلمداد می‌شوند که با این حال کم‌سابقه نیستند و پیش‌تر به شکل نفرت مسلمانان از تصاویر و مکان‌های مقدس پیش از ظهور اسلام نمایان بوده است.

با این همه سال‌ها پیش از ظهور داعش و دیگر «بت‌شکنان» جدید اسلام‌گرا، حتی هنگام ظهور اسلام، مسلمانان امر باستانی اسلامی و پیشا‌اسلامی و مکان‌های متعلق به آنها را به گونه‌های مختلفی تخیل می‌کردند؛ مثلاً به مثابه مکانی برای حفظ خاطرات یا فضایی برای شفاگرفتن یا محلی مملو از قدرت تاریخی و اخلاقی. مسلمانان از مجسمه‌های باستانی به شکل طلسم استفاده می‌کردند، نقاشی‌ها را همچون پیش‌گویی ظهور اسلام می‌دیدند و معابد خدایان باستان و کلیساهای قدیسان را به مساجد تبدیل می‌کردند؛ البته به گونه‌ای که همچنان معنای اصیل خود را حفظ می‌کرد و گاه حتی معماری و تزئیناتش نیز تغییری نمی‌یافت.

ارزش چنین مکان‌هایی اغلب در اعجابی بود که برمی‌انگیختند؛ اما گاه اهمیت تاریخی آنها به مثابه نشانه‌هایی از عظمت امپراتوری‌های پیشین آنها را ارزشمند می‌کرد و این مضمون آنچنان در جهان اسلام پرتکرار بوده است که در ادبیات عربی و فارسی گونه‌آدبی خاصی پدید آورد؛ گونه‌ای که با مفاهیم «عجایب» و «فضایل» بدان اشاره می‌شد. افزون بر این یاران نخستین محمد مکان‌هایی چون تیسفون، پایتخت باستانی زردشتی‌های دوران ساسانی یا کوه معبد یهودیان، تپه‌ای که حرم شریف در آن بنا شده را همچون مکان‌هایی مقدس پذیرفتند. می‌دانیم که بسیاری از جوامع مسلمان و یهودی و مسیحی مکان‌های مقدس مشترکی داشته‌اند و مناسکی مشابهی نیز اجرا می‌کردند. همین مکان‌های مشترک و مناسب یکسان بود که آنان را قادر می‌کرد «مکان مقدس» را به شیوه‌هایی مشابهی تخیل کنند. چنین همبستگی‌هایی را نمی‌توان تنها با مفاهیم «تأثیر» یا «انتقال» تفسیر کرد. با این همه مسلمانان گاه مکان‌های باستانی را نابود نیز کرده‌اند یا برای اهداف خود تغییرات اساسی در آن داده‌اند. برای نمونه می‌توان به آنچه اشاره کرد که پس از جنگ‌های صلیبی در سرزمین مقدس رخ داد؛ یا نمونه‌دیگران چیزی است با تخریب و مرمت سازه‌های بودایی و مکان‌های مقدس هندوها در سرزمین‌های شرقی مسلمانان و آسیای جنوبی انجام شد.

کتاب «تخیل باستان در جوامع اسلامی» به مسئله‌علاقه مسلمانان به گذشته مادی جهان باستان و جهان اسلام می‌پردازد و نگرش مسلمانان به باستان‌گرایی در جهان اسلام را، از قرون وسطی تا کنون، در سیزده جستار بررسی می‌کند. این کتاب بیش از همه برای پژوهشگران و دانشجویان حوزه مطالعات باستان‌شناسی، میراث فرهنگی و هنر و معماری اسلامی توصیه می‌شود.